



رعد و برقی که دنیا را دگرگون کرد!

کمی بیش از ۵۰۰ سال پیش مرد آلمانی جوانی در اثر وحشتی که از وقوع یک صاعقه در نزدیکی اش به او دست داد، قسم خورد که تارک دنیا شود؛ اما نه او و نه هیچ کس دیگری نمی دانست این آغاز یک دگرگونی بزرگ در تاریخ بشر است.

کمی بیش از ۵۰۰ سال پیش مرد آلمانی جوانی در اثر وحشتی که از وقوع یک صاعقه در نزدیکی اش به او دست داد، قسم خورد که تارک دنیا شود؛ اما نه او و نه هیچ کس دیگری نمی دانست این آغاز یک دگرگونی بزرگ در تاریخ بشر است.

«ایمان، فقط ایمان برای نجات انسان کافی است». (مارتین لوتر)

مارتین لوتر، بنیانگذار مذهب پروتستان، درست ۵۳۴ سال پیش (دهم نوامبر ۱۴۸۳) در آلمان به دنیا آمد. تحصیل دانشگاهی را ابتدا با هنر آغاز کرد و به اصرار پدرش وارد رشته ی حقوق شد اما خیلی زود ترک تحصیل کرد؛ مارتین برشت - تاریخ نگار کلیسا - در کتاب خود «مارتین لوتر: راه او به اصلاحات» درباره ی علت تغییر مسیر لوتر می نویسد: «رعد و برقی زد و آذرخشی در نزدیکی او به زمین خورد که گمان می رود او را به زمین زد و پایش آسیب دید و وحشت از مرگ را به جاننش انداخت و وادارش کرد بگوید: "کمکم کن، آنای مقدس، من تارک دنیا خواهم شد". از آنجا که او ترسیده بود و از مرگ ناگهانی وحشت داشت، ناچار شد به سوگندش وفا کند».

مارتین به عنوان یک مسیحی معتقد کلیسای کاتولیک، برای گریز از قضاوت روز جزا و فرار از آتش جهنم به وعده اش وفا کرد و وارد صومعه شد. او می اندیشید که با این کار حتی پاداش الهی هم در انتظارش خواهد بود. او ۲۳ سال داشت که وارد صومعه شد و بعد از رسیدن به درجه ی کشیشی در رشته ی الهیات تحصیل کرد. یک سال بعد در سی سالگی دکترای الهیات و کرسی استادی این رشته را به دست آورد.

ورود لوتر به صومعه، مراودات او با کشیشان و مشاهده ی واقعیت های پشت پرده ی کلیسا از سویی، و تفسیر شخصی او از انجیل از سوی دیگر، او را با واقعیت ها و حقایق جدیدی آشنا کرد که بنیادهای فکری او را واژگون ساخت. در آن دوران کشیشان خود را مقربان درگاه خدایی و واسطه ی بین بندگان و خدای می نامیدند و تنها راه آمرزش بندگان گنهکار نیز پرداخت پول و دریافت سند «آمرزشنامه» در قبال آن بود؛ کشیشان در حالی که بندگان خدا را با دریافت پول به آمرزش و نیکبختی در دنیا، باقی، وعده می دادند، خود در آن جهان سنگم ثبوت اندوهی به دند!

تصویری حک شده روی چوب از فروش آمرزشنامه توسط کشیشان به سال ۱۵۳۰ مشاهده ی چنین وضعی روزه روز شکاف ذهنی لوتر با کلیسا را تعمیق می کرد تا در نهایت او دست به نگارش «اعلامیه ی نودوپنج ماده ای» زد که در آن ادعاهای جسورانه ای داشت؛ او مدعی بود کشیشان کلیسای کاتولیک وظایف اصلی خود که همان تعلیم آموزه های مسیح باشد را فراموش کرده اند.

در اعلامیه ی نودوپنج ماده ای لوتر به مواردی اشاره شده که گرچه امروزه جزء بدیهیات به نظر می رسند اما در قرون وسطی گوینده ی آن را به دل آتش می سپردند؛ برابری بندگان خدا و نفی نمایندگی کشیشان از سوی پروردگار، شخصی و درونی بودن ایمان به خدا و بی ارزش بودن تظاهر به خداپرستی، ارتباط مستقیم تمام بندگان خدا با او از راه خواندن متن مقدس، بی نیازی از واسطه برای ارتباط با خدا و... حرف هایی بود که در آن روزگار گوینده ی آن مستوجب مرگ بود.

اعلامیه ی لوتر موجب خشم سایر کشیشان شد؛ پاپ - پیشوا و حاکم جهان مسیحی - در نامه ای او را به روم فراخواند و تهدید کرد که او را تکفیر خواهد کرد اما لوتر سرکش نه تنها نامه ی پاپ را آتش زد، بلکه معصومیت پاپ را هم زیر سؤال برد و داد برآورد که چرا یک بنده ی عادی خدا به خودش اجازه می دهد درباره ی کفر و ایمان دیگر بندگان حکم صادر کند. اما این تنها پیامد آن اعلامیه نبود؛ اعلامیه ی لوتر ناخواسته سرآغاز جنبش رفرماسیون (اصلاحات دینی یا دین پیرایی) هم بود.

لوتر ناخواسته از کلیسای رومی جدا شد و امنیت پیشین خود را از دست داد. سال ۱۵۲۰ او مصونیت سیاسی پیدا کرد و برای پاسخ به اتهاماتش در مجلس شهر وُرمز حاضر و توسط نماینده ی پاپ تفتیش شد اما از عقایدش گامی عقب نرفت. همین پافشاری باعث شد حکم دادگاه علیه او رسمیت پیدا کند و زندگی لوتر به خطر بیفتد. او مدتی به زندگی مخفیانه روی آورد و همین مدت فرصت خوبی برای برگرداندن متن انجیل از لاتین به آلمانی بود؛ کاری که به جهت کاهش وابستگی به سبطه ی کشیشان و مؤمنان ممنوع بود.

مارتین لوتر پیش از محاکمه در مجلس شهر ورمز با این حال فردریش سوم که شرایطی بی طرفانه را برای محاکمه ی لوتر فراهم کرده بود از تحویل او به کلیسا سرباز زد و بعد از دادگاه ترتیب ربایش او را داد. لوتر تا ۱۰ ماه مخفیانه زندگی کرد و در این زمان بود که «عهد جدید» را ترجمه کرد. مارتین لوتر تا آن زمان اولین کشیشی بود که ازدواج کرد؛ سال ۱۵۲۵ مارتین با زنی به نام کاترین ازدواج کرد و از او صاحب سه فرزند شد. لوتر سال ۱۵۴۶ وقتی ۶۲ سالش بود در اثر بیماری قلبی درگذشت و در کلیسایی که در آن سخنرانی می کرد به خاک سپرده شد.

هرچند مارتین لوتر در زمان خود فردی پیشرو بود اما او با هر معیاری یک مسیحی بنیادگرا و متعصب بود که دین مسیح را برترین ادیان می دانست و به یهودستیزی و دشمنی با مسلمانان نیز شناخته می شود.

به هر روی؛ راه لوتر بسرعت پیروانی پیدا کرد. «پروتست» در لغت به معنی اعتراض است و از آنجا که لوتر و پیروانش در برابر راه و رسم کلیسا به اعتراض برخاسته بودند به آنان لقب پروتستانت یا همان معترضان داده شد. یارگیری لوتر و روشنگری های آنان موجب بروز درگیری ها و سوزانده شدن بسیاری از پروتستان ها شد. با این حال او در دهه ی پایانی عمرش، شاهد گسترش مذهب نوساخته ی خود بود. مذهبی که گرچه تفاوت های زیادی با مذهب کاتولیک دارد، اما تنها با یک، کنش، جهان بس، از خود، ادگ گهن کد: مؤمنان برای ارتباط با خدا نیازی به کشیش، ه کلیسا ندارند!

مزار مارتین لوتر در کلیسای کوچک شهر ویتنبرگ؛ کلیسایی که محل سخنرانی های او بود

درست ۵۰۰ سال پیش، پروتستانتیسم با آویختن اعلامیه ی لوتر بر در کلیسا آغاز شد و در پی آن کوشش جداشدگان از کلیسای کاتولیک بود که جنبش دین پیرایی را شکل داد. رفرمیست ها بعدها به فرقه های مختلفی تقسیم شدند و مجموعه ی آنها مذهب پروتستان را شکل دادند؛ مذهبی که کوشید به سلطه ی کلیسا پایان دهد و از نفوذ مذهب کاتولیک در تمام ارکان زندگی مردم بکاهد. پیامد چنین رویدادی، رواج عقل گرایی، نگرش علمی بر پدیده ها، پیدایش مدرنیسم، گسترش علوم تجربی، صنعتی شدن، توسعه ی علوم انسانی بخصوص اقتصاد و در یک کلام، شکل گیری جهان امروز بود.

اپسنا- میثم خدمتی